



تاریخچه تکامل پرچم ایران (به نقل از: تارنمای «فرهنگسرا»)

آرش داور: سیر تحول پرچم ایران (به نقل از: تارنمای «سیاه و سفید»)





<http://www.farhangsara.com/fflag.htm>

پرچم ایران

سرود ای ایران



پرچم ایران قبل از سال ۱۳۵۷



پرچم ایران بعد از سال ۱۳۵۷

تاریخچه تکامل پرچم ایران

پیشینه

نخستین تصویر بر روی پرچم ایران بعد از اسلام

افزوده شدن نقش خورشید بر پشت شیر

پرچم در دوران صفویان

پرچم در عهد نادرشاه افشار

دوره قاجارها پرچم چهارگوشه

امیرکبیر و پرچم ایران انقلاب مشروطیت و پرچم ایران پرچم بعد از انقلاب

پیشینه

نخستین اشاره در تاریخ اساطیر ایران به وجود پرچم، به قیام کاوه آهنگر علیه ظلم و ستم آژی دهاک (ضحاک) بر میگردد. در آن هنگام کاوه برای آن که مردم را علیه ضحاک بشوراند، پیش بند چرمی خود را بر سر چوبی کرد و آن را بالا گرفت تا مردم گرد او جمع شدند. سپس کاخ فرمانروای خونخوار را در هم کوبید و فریدون را بر تخت شاهی نشاند.

فریدون نیز پس از آنکه فرمان داد تا پاره چرم پیش بند کاوه را با دیباهای زرد و سرخ و بنفش آراستند و در گوهر به آن افزودند، آن را درفش شاهی خواند و بدین سان "درفش کاویان" پدید آمد. نخستین رنگهای پرچم ایران زرد و سرخ و بنفش بود، بدون آنکه نشانه ای ویژه بر روی آن وجود داشته باشد. درفش کاویان صرفاً افسانه نبوده و به استناد تاریخ تا پیش از حمله اعراب به ایران، بویژه در زمان ساسانیان و هخامنشیان پرچم ملی و نظامی ایران را درفش کاویان می گفتند، هر چند این درفش کاویانی اساطیری نبوده است.

محمدبن جریر طبری در کتاب تاریخ خود به نام الامم و الملوک مینویسد: درفش کاویان از پوست پلنگ درست شده، به درازای دوازده ارش که اگر هر ارش را که فاصله بین نوک انگشتان دست تا بندگاه آرنج است ۶۰ سانتی متر به حساب آوریم، تقریباً پنج متر عرض و هفت متر طول میشود. ابولحسن مسعودی در مروج اهب نیز به همین موضوع اشاره میکند.

به روایت اکثر کتب تاریخی، درفش کاویان زمان ساسانیان از پوست شیر یا پلنگ ساخته شده بود، بدون آنکه نقش جانوری بر روی آن باشد. هر پادشاهی که به قدرت می رسید تعدادی جواهر بر آن می افزود. به هنگام حمله اعراب به ایران، در جنگی که در اطراف شهر نهاوند در گرفت درفش کاویان به دست آنان افتاد و چون آن را همراه با فرش مشهور "بهارستان" نزد عمر بن خطاب خلیفه مسلمانان، بردند وی از بسیاری گوهرها، ذرها و جواهراتی که به درفش آویخته شده بود دچار شگفتی شد و به نوشته فضل الله حسینی قزوینی در کتاب المعجم مینویسد: "امیر المومنین سپس بفرمود تا آن گوهرها را برداشتند و آن پوست را سوزانیدند".

با فتح ایران به دست اعراب - مسلمان، ایرانیان تا دویست سال هیچ درفش یا پرچمی نداشتند و تنها دو تن از قهرمانان ملی ایران زمین، یعنی ابومسلم خراسانی و بابک خرم دین دارای پرچم بودند. ابومسلم پرچمی یکسره سیاه رنگ داشت و بابک سرخ رنگ به همین روی بود که طرفداران این دو را سیاه جامگان و سرخ جامگان می خواندند. از آنجائی که علمای اسلام تصویرپردازی و نگارگری را حرام میدانستند تا سالهای مدید هیچ نقش و نگاری از جانداران بر روی درفش ها تصویر نمی شد.

نخستین تصویر بر روی پرچم ایران

در سال ۳۵۵ خورشیدی (۹۷۶ میلادی) که غزنویان، با شکست دادن سامانیان، زمام امور را در دست گرفتند، سلطان محمود غزنوی برای نخستین بار دستور داد نقش یک ماه را بر روی پرچم خود که رنگ زمینه آن یکسره سیاه بود زردوزی کنند. سپس در سال ۴۱۰ خورشیدی (۱۰۳۱ میلادی) سلطان مسعود غزنوی به انگیزه دلبستگی به شکار شیر دستور داد نقش و نگار یک شیر جایگزین ماه شود و از آن پس هیچگاه تصویر شیر از روی پرچم ملی ایران برداشته نشد تا انقلاب ایران در سال (۱۹۷۹ میلادی).

افزوده شدن نقش خورشید بر پشت شیر

در زمان خوارزمشاهیان یا سلجوقیان سکه هائی زده شد که بر روی آن نقش خورشید بر پشت آمده بود، رسمی که به سرعت در مورد پرچمها نیز رعایت گردید. در مورد علت استفاده از خورشید دو دیدگاه وجود دارد، یکی اینکه چون شیر گذشته از نماد دلاوری و قدرت، نشانه ماه مرداد (اسد) هم بوده و خورشید در ماه مرداد در اوج بلندی و گرمای خود است، به این ترتیب همبستگی میان خانه شیر (برج اسد) با میانه تابستان نشان داده می شود. نظریه دیگر بر تأثیر آئین مهرپرستی و میترائیسم در ایران دلالت دارد و حکایت از آن دارد که به دلیل تقدس خورشید در این آئین، ایرانیان کهن ترجیح دادند خورشید بر روی سکه ها و پرچم بر پشت شیر قرار گیرد.

پرچم در دوران صفویان

در میان شاهان سلسله صفویان که حدود ۲۳۰ سال بر ایران حاکم بودند تنها شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول بر روی پرچم خود نقش شیر و خورشید نداشتند. پرچم شاه اسماعیل یکسره سبز رنگ بود و بر بالای آن تصویر ماه قرار داشت. شاه طهماسب نیز چون خود زاده ماه فروردین (برج حمل) بود دستور داد به جای شیر و خورشید تصویر گوسفند (نماد برج حمل) را هم بر روی پرچمها و هم بر سکه ها ترسیم کنند. پرچم ایران در بقیه دوران حاکمیت صفویان سبز رنگ بود و شیر و خورشید را بر روی آن زردوزی می کردند. البته موقعیت و طرز قرارگرفتن شیر در همه این پرچمها یکسان نبوده، شیر گاه نشسته بوده، گاه نیمرخ و گاه رو به سوی بیننده. در بعضی موارد هم خورشید از شیر جدا بوده و گاه چسبیده به آن. به استناد سیاحت نامه ژان شاردن جهانگرد فرانسوی استفاده او بیرق های نوک تیز و باریک که بر روی آن آیه ای از قرآن و تصویر شمشیر دوسر علی یا شیر خورشید بوده، در دوران صفویان رسم بوده است. به نظر می آید که پرچم ایران تا زمان قاجارها، مانند پرچم اعراب، سه گوشه بوده نه چهارگوش.

پرچم در عهد نادرشاه افشار

نادر که مردی خود ساخته بود توانست با کوششی عظیم ایران را از حکومت ملوک الطوائفی رها ساخته، بار دیگر یکپارچه و متحد کند. سپاه او از سوی جنوب تا دهلی، از شمال تا خوارزم و سمرقند و بخارا، و از غرب تا موصل و

کرکوک و بغداد و از شرق تا مرز چین پیش روی کرد. در همین دوره بود که تغییراتی در خور در پرچم ملی و نظامی ایران بوجود آمد. درفش شاهی یا بیرق سلطنتی در دوران نادرشاه از ابریشم سرخ و زرد ساخته می شد و بر روی آن تصویر شیر و خورشید هم وجود داشت اما درفش ملی ایرانیان در این زمان سه رنگ سبز و سفید و سرخ با شیری در حالت نیمرخ و در حال راه رفتن داشته که خورشیدی نیمه بر آمده بر پشت آن بود و در درون دایره خورشید نوشته بود: "المک الله" سپاهیان نادر در تصویری که از جنگ وی با محمد گورکانی، پادشاه هند، کشیده شده، بیرقی سه گوش با رنگ سفید در دست دارند که در گوشه بالائی آن نواری سبز رنگ و در قسمت پائینی آن نواری سرخ دوخته شده است. شیری با دم برافراشته به صورت نیمرخ در حال راه رفتن است و درون دایره خورشید آن بازهم "المک الله" آمده است. بر این اساس میتوان گفت پرچم سه رنگ عهد نادر مادر پرچم سه رنگ فعلی ایران است. زیرا در این زمان بود که برای نخستین بار این سه رنگ بر روی پرچم های نظامی و ملی آمد، هر چند هنوز پرچمها سه گوشه بودند.

دوره قاجارها، پرچم چهار گوشه

در دوران آغامحمدخان قاجار، سر سلسله قاجاریان، چند تغییر اساسی در شکل و رنگ پرچم داده شد، یکی این که شکل آن برای نخستین بار از سه گوشه به چهارگوشه تغییر یافت و دوم این که آغامحمدخان به دلیل دشمنی که با نادر داشت سه رنگ سبز و سفید و سرخ پرچم نادری را برداشت و تنها رنگ سرخ را روی پرچم گذارد. دایره سفید رنگ بزرگی در میان این پرچم بود که در آن تصویر شیر و خورشید به رسم معمول وجود داشت با این تفاوت بارز که برای نخستین بار شمشیری در دست شیر قرار داده شده بود. در عهد فتحعلی شاه قاجار، ایران دارای پرچمی دوگانه شد. یکی پرچمی یکسره سرخ با شیری نشسته و خورشید بر پشت که پرتوهای آن سراسر آن را پوشانده بود. نکته شگفتی آور این که شیر پرچم زمان صلح شمشیر بدست داشت در حالی که در پرچم عهد جنگ چنین نبود. در زمان فتحعلی شاه بود که استفاده از پرچم سفید رنگ برای مقاصد دیپلماتیک و سیاسی مرسوم شد. در تصویری که یک نقاش روس از ورود سفیر ایران "ابوالحسن خان شیرازی" به دربار تزار روس کشیده، پرچمی سفید رنگ منقوش به شیر و خورشید و شمشیر، پیشاپیش سفیر در حرکت است. سالها بعد، امیرکبیر از این ویژگی پرچم های سه گانه دوره فتحعلی شاه استفاده کرد و طرح پرچم امروزی را ریخت. برای نخستین بار در زمان محمدشاه قاجار (جانشین فتحعلی شاه) تاجی بر بالای خورشید قرار داده شد. در این دوره هم دو درفش یا پرچم به کار می رفته است که بر روی یکی شمشیر دو سر حضرت علی و بر دیگری شیر و خورشید قرار داشت که پرچم اول درفش شاهی و دومی درفش ملی و نظامی بود.

امیرکبیر و پرچم ایران

میرزا تقی خان امیرکبیر، بزرگمرد تاریخ ایران، دلبستگی ویژه ای به نادرشاه داشت و به همین سبب بود که پیوسته به ناصرالدین شاه توصیه می کرد شرح زندگی نادر را بخواند. امیرکبیر همان رنگ های پرچم نادر را پذیرفت، اما دستور داد شکل پرچم مستطیل باشد (بر خلاف شکل سه گوشه در عهد نادرشاه) و سراسر زمینه پرچم سفید، با یک نوار سبز به عرض تقریبی ۱۰ سانتی متر در گوشه بالائی و نواری سرخ رنگ به همان اندازه در

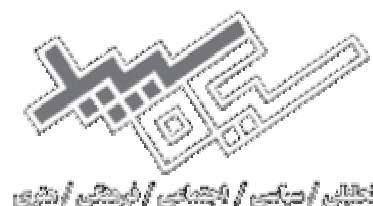
قسمت پائین پرچم دوخته شود و نشان شیر و خورشید و شمشیر در میانه پرچم قرار گیرد، بدون آنکه تاجی بر بالای خورشید گذاشته شود. بدین ترتیب پرچم ایران تقریباً به شکل و فرم پرچم امروزی ایران درآمد.

انقلاب مشروطیت و پرچم ایران

با پیروزی جنبش مشروطه خواهی در ایران و گردن نهادن مظفرالدین شاه به تشکیل مجلس، نمایندگان مردم در مجلس های اول و دوم به کار تدوین قانون اساسی و متمم آن می پردازند. در اصل پنجم متمم قانون اساسی آمده بود: "الوان رسمی بیرق ایران، سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است"، کاملاً مشخص است که نمایندگان در تصویب این اصل شتابزده بوده اند. زیرا اشاره ای به ترتیب قرار گرفتن رنگها، افقی یا عمودی بودن آنها، و این که شیر و خورشید بر کدام یک از رنگها قرار گیرد به میان نیامده بود. همچنین درباره وجود یا عدم وجود شمشیر یا جهت روی شیر ذکری نشده بود. به نظر می رسد بخشی از عجله نمایندگان به دلیل وجود شماری روحانی در مجلس بوده که استفاده از تصویر را حرام می دانستند. نمایندگان نواندیش در توجیه رنگهای به کار رفته در پرچم به استدلالات دینی متوسل شدند، بدین ترتیب که می گفتند رنگ سبز، رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ این دین است، بنابراین پیشنهاد می شود رنگ سبز در بالای پرچم ملی ایران قرار گیرد. در مورد رنگ سفید نیز به این حقیقت تاریخی استناد شد که رنگ سفید رنگ مورد علاقه زرتشتیان است، اقلیت دینی که هزاران سال در ایران به صلح و صفا زندگی کرده اند و این که سفید نماد صلح، آشتی و پاکدامنی است و لازم است در زیر رنگ سبز قرار گیرد. در مورد رنگ سرخ نیز با اشاره به ارزش خون شهید در اسلام، بویژه امام حسین و جان باختگان انقلاب مشروطیت به ضرورت پاسداشت خون شهیدان اشاره گردید. وقتی نمایندگان روحانی با این استدلالات مجاب شده بودند و زمینه مساعد شده بود، نواندیشان حاضر در مجلس سخن را به موضوع نشان شیر و خورشید کشاندند و این موضوع را این گونه توجیه کردند که انقلاب مشروطیت در مرداد (سال ۱۲۸۵ هجری شمسی ۱۹۰۶ میلادی) به پیروزی رسید یعنی در برج اسد(شیر). از سوی دیگر چون اکثر ایرانیان مسلمان شیعه و پیرو علی هستند و اسدالله از القاب حضرت علی است، بنابراین شیر هم نشانه مرداد است و هم نشانه امام اول شیعیان در مورد خورشید نیز چون انقلاب مشروطه در میانه ماه مرداد به پیروزی رسید و خورشید در این ایام در اوج نیرومندی و گرمای خود است پیشنهاد می کنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم که این شیر و خورشید هم نشانه علی باشد هم نشانه ماه مرداد و هم نشانه چهاردهم مرداد یعنی روز پیروزی مشروطه خواهان و البته وقتی شیر را نشانه پیشوای امام اول بدانیم لازم است شمشیر ذوالفقار را نیز بدستش بدهیم. بدین ترتیب برای اولین بار پرچم ملی ایران به طور رسمی در قانون اساسی به عنوان نماد استقلال و حاکمیت ملی مطرح شد. در سال ۱۳۳۶ منوچهر اقبال، نخست وزیر وقت به پیشنهاد هیأتی از نمایندگان وزارت خانه های خارجه، آموزش و پرورش و جنگ طی بخش نامه ای ابعاد و جزئیات دیگر پرچم را مشخص کرد. بخش نامه دیگری در سال ۱۳۳۷ در مورد تناسب طول و عرض پرچم صادر شد و طی آن مقرر گردید طول پرچم اندکی بیش از یک برابر و نیم عرضی باشد.

پرچم بعد از انقلاب

در اصل هجدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) در مورد پرچم گفته شده است که پرچم جمهوری اسلامی از سه رنگ سبز، سفید و سرخ تشکیل می شود و نشانه جمهوری اسلامی (تشکیل شده با حروف الله اکبر) در وسط آن قرار دارد.



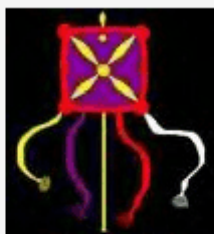
شماره ۱۹ ۱۵ اسفند ۱۳۸۲

www.siahsepid.com/week/archives/000010.php

نشان غرور ملی

سیر تحول پرچم ایران

آرشی داور



« درفش کاویانی »



« درفش هخامنشیان »



« شاه تهماسب صفوی »



« نادر شاه افشار »

ایران از سالها و سده های کهن دارای پرچم و درفش بوده است. نخستین پرچمی که در تاریخ افسانه ای ما از آن نام برده شده درفش کاویانی است، که پیش بند چرمی آهنگری بنام کاوه بوده، این آهنگر در برابر ستم و بی داد آژیدهاک بپاخواست و به یاری فریدون او را فرو نشاند و فریدون را به پادشاهی رساند، فریدون نیز به پاس این یآوری و دلاوری آن پاره پوست را با دیبای زرد و سرخ و بنفش و گوهرهای فراوان بیاراست و درفش کاویانی نام نهاد، پس نخستین رنگهای پرچم ایران « زرد، سرخ، بنفش » بوده است. در اینجا باید یاد آور این نکته شد که درفش کاویانی یک درفش افسانه ای نبوده و وجود داشته، زیرا

آنگونه که از برگه های تاریخی برمی آید، هخامنشیان و ساسانیان نیز درفش ملی و نظامی خود را درفش کاویانی می نامیدند که بسیار بزرگ و از پوست پلنگ بوده و گوهرهای فراوانی را به آن دوخته بودند.

این درفش در تگ و تافت تاریان و چیرگی آنان بر ایران زمین به دست آن ها افتاد و آنگونه که فتح الله ... قزوینی در کتاب المعجم می نویسد: درفش را نزد عمر بردند و عمر دستور داد تا گوهر ها را بردارند و پوست را بسوزانند.



سپس تا دویست سال ایران زیر چیرگی تازیان بود و پرچمی نداشت اما در درازای این دو سده قهرمانانی برای بیرون کشیدن میهن خود از زیر بار ستم بیگانگان بپا خواستند ، که دو تن از آنها دارای پرچم بودند : یکی ابومسلم خراسانی که پرچمی سیاه رنگ داشت و دیگری بابک خرم دین که پرچمی یکسره سرخ رنگ داشت .

به سال سیصد و پنجاه و پنج خورشیدی، سلطان محمود غزنوی نقش یک ماه را بروی پرچم خود که یکپارچه سیاه بود قرار داد و این نخستین باری بود که پس از چیرگی تازیان بر ایران نقش یک پدیده بروی پرچم ما آمد. سپس سلطان مسعود به انگیزه ی دلبستگی فراوانی که به شکار شیر داشت دستور داد نقش ماه را از روی پرچم برداشتنند و بجای آن نقش شیر را گذاشتند بدین گونه در نهصد و پنج سال پیش شیر بروی پرچم ایران آمد.

در این میان به نمونه هایی برمی خوریم که نشان می دهد در میان اتابکان پارس و خوارزمشاهیان نه تنها پیکره ی شیر از روی پرچم برداشته نشد بلکه نقش خورشید نیز بر پشت و بالای سر شیر آمد.



پژوهندگان نگاره های گوناگونی درباره ی انگیزه ی نقش خورشید بروی پرچم دارند: برخی این باور را دارند که تاثیر کیش میتراپیسم و مهر پرستی ایرانیان کهن بزرگترین انگیزه نگارش خورشید بروی پرچم و سپس بروی سکه ها بوده است.

تا زمان صفویه نقش شیر و خورشید در تمامی پرچم های ایران بوده است. شیر و خورشید یک نماد ملی بوده و با دگرگون شدن پادشاهان این نشان ملی دگرگون نمی شد. تنها شاه اسماعیل و شاه تهماسب بر روی پرچم خود نشان شیر و خورشید نداشتند. پرچم شاه اسماعیل یکسره سبز و بر بالای آن نقش ماه بوده است. شاه تهماسب که در ماه (حمل) گوسپند بدنیا آمده نقش گوسپند را در روی پرچم نقش کرد. در زمان صفویه آیات قران و کلمات تازی (عربی) بر روی پرچم ظاهر شد.

تا زمان نادر شاه افشار پرچم ها در بیشتر موارد نوک تیز بوده و از همه ی رنگ ها استفاده می شد. نادر شاه این مرد خود ساخته و میهن پرست که از دل مردم برخاسته بود، ایران تکه پاره را به زیر یک پرچم آورد تا آن زمان پرچم یک رنگ بوده (سبز یا سرخ یا سیاه) و او

این پرچم را دارای سه رنگ سبز و سفید و سرخ کرد. درفش شاهي نادر، سرخ و زرد و دارای نقش شیر می بود. پرچم در زمان نادر چهار گوش بود. بنابر این پرچم مستطیل و سه رنگ نادر شاه مادر پرچم سه رنگ ایران است که نقش شیر و خورشید بر آن نشسته ولی هنوز شیر شمشیری در دست ندارد.

در هیچ یک از نگاره ها، سکه ها، نوشته ها، سنگ نبشته هاو قالیچه های ایرانی تا زمان قاجار نقشی از شمشیر دیده نمی شود و هنوز شیر و خورشید تنها نماد ملی ایران باقی مانده بود.

آقا محمد خان قاجار با تمام کینه ای که از افشاری ها داشت از سه رنگ تنها سبز را از پرچم جدا کرد و و رنگ سرخ را رنگ پرچم معرفی کرد و در میان آن دایره ی سپیدی را نگاه داشت و شیر و خورشید را که از پیشینیان رسیده از میان نبرد. گرچه شاهان و امیران همدیگر را از بین می برند ولی شیر و خورشید را که نماد ملی است بر جای می گذاشتند.

چون آقا محمد خان بشدت مذهبی بود و در بعضی از پرچمهای صفویان شیر و خورشید و برخی دیگر شمشیر دو سر علی بود او آنها را در هم آمیخت و شمشیر بدست شیر داد.

در زمان فتحعلی شاه دو گونه پرچم بوده؛ یکی پرچمی یکسره سرخ رنگ با شیری نشسته (بی شمشیر) و خورشید بر پشت آن در میان پرچم، بالای چوب پرچم، دستی از سیم ناب کار گذارده بودند که شاید نمادی از دست علی بوده است. این درفش برای زمان جنگ بوده است. دیگری درفشی بود یکسره سبز رنگ باز هم شیری نشسته (با شمشیر) و خورشید بر پشت و بر بالای چوب پرچم، پیکانی زرین کار گذارده بودند؛ این پرچم، پرچم زمان صلح بود. در هر دو پرچم پرتوهای خورشید سراسر پهنه پرچم را می پوشانده است.

سفیر فتحعلی شاه در هنگام ورود به شهر پترو گراد نگاره زیبائی از شیر و خورشید که بر پرچمی یکسره سپید کشیده شده را در جلو حرکت میداد. با نگرش به پرچم زمان جنگ و صلح و پرچم سپید زمان دوستی می توان انگاشت که در آن زمان سه رنگ پرچم مشتمل بود بر: سرخ، سبز و سفید.

در زمان محمد شاه قاجار تاج بر بالای نشان شیر و خورشید ظاهر می شود و سر انجام در یکصد و پنجاه سال پیش دستگاه فرمانروائی ایران می پذیرد که نشان شیر و خورشید یک نشان فرهنگی، تاریخی و دینی است که ریشه در هزاره های کهن (از زمان زرتشت) دارد.

در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار خورشیدی که جنبش مشروطه را مظفر الدین شاه دستینه نهاد، در متمم قانون اساسی شکل درفش به این صورت آمده است: «الوان رسمی بیرق ایران، سبز، سفید و سرخ و نشان شیر و خورشید است» در این برگه تاریخی از کنار هم قرار گرفتن و اندازه رنگ ها و پهنای درفش سخن به میان نیامده است.

در مجلس یکم شماری از روحانیون بودند که به پیروی از دین اسلام نگاشتن نگاره ها را ناروا می دانستند. گروهی نو اندیش که شمارشان بسیار بود برآن شدند که نگذارند نازش های فرهنگ گذشته پایمال شود. از جمله اینان شادروان ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده زرتشتیان بودند. با رایزنی و برنامه ای حساب شده در جلسه ی مجلس پس از سر آغازی شیوا بیان نمودند: « همه میدانیم که نود در صد

ایرانیان مسلمانند. و رنگ سبز رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ دین است. پس بر بالای پرچم جای گیرد. زرتشتیان هزاران سال پشت اندر پشت در این سرزمین زاده و زندگی کرده اند در قرآن نیز اشاره ای به این دین شده. رنگ سپید که رنگ ویژه کیش زرتشتی است و همچنین رنگ آشتی و پاکدلی است بیاس بزرگداشت این مردم آزاده در زیر رنگ سبز جایگزین کنیم. به پاس خون شهیدان راه اندیشه و باور بویژه فرزندان علی و انقلاب مشروطه رنگ سرخ را در آن جای دهیم. « هنگامی که مجلس کاملاً آماده شده سخن به نشان شیر خورشید می کشد و گفته می شود. « انقلاب مشروطه در امرداد به پیروزی رسید، ماه امرداد در برج اسد (شیر) جای دارد، از سوی دیگر چون بیشتر مسلمانان ایرانی "شیعه" و پیرو علی هستند و شیر همچنین پیشنهادی از نام های علی است و او را "اسد الله" می خوانند بر این پایه شیر را هم که نشانه امرداد و هم نشانه پیشوای یکم است بیادگار به پرچم نقش کنیم. چون مشروطیت در میانه امرداد به پیروزی رسید و خورشید در این روز در اوج نیرو مندی و گرمای خود است پیشنهاد می کنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم که هم نشانه علی باشد هم نشانه امرداد و هم یادآور روز چهاردهم امرداد و هم نشانه کهن ایرانیان. « (نکته در خور توجه اینکه به «میترا» و ارتباط آن با خورشید و مهر اشاره نگشته تا مبدا روحانیان درون مجلس بر آشفته شوند.) و در زمانی که زمینه را مساعد دانسته، بیان نمودند: « حال که شیر را نشانه علی دانستیم باید "ذوالفقار" را نیز به دستش بدهیم. »

نمایندگان دور اندیش با شتاب بر اساس اصل پنجم متمم قانون اساسی پیشنهاد و به تصویب رساندند. در این برگه تاریخی اشاره ای به تاج در بالای شیر و خورشید نشده است.

این درحالی بود که اصل پنجم قانون اساسی گنک و نارسا بود و به همین انگیزه درسال هزار و سیصد و سی و شش خورشیدی به هنگام نخست وزیری دکتر منوچهر اقبال این نارسایی برطرف شد.

هنوز یکی دو سه ماه بیشتر از بهمن پنجاه و هفت نگذشته بود که آیت الله خمینی در یک سخنرانی گفت: « بیاندازید این شیر و خورشید منحوس (!) را. بیاندازید این علامت شاهنشاهی را (!!). »

به دنبال این سخن ناسنجیده عده ای از هواداران چشم و گوش بسته با چکش نادانی بجان آثار باستانی و ساختمان ها افتادند که «مهندس مهدی بازرگان» زیان چشمگیر را به او گوشزد کرد ولی با وجود کوشش های فراوان و هشدارها، آیت الله خمینی اظهار نمود: « اگر از میان بردن این علامت منحوس (!) شیر و خورشید، هشتاد میلیون هم ضرر میزند - که نمیزند (!) - مانعی ندارد، آنها را از بین ببرید (!!). »

از آن پس رنگهای پرچم همان سه رنگ سبز و سپید و سرخ رنگ باقی ماند ولی نشان تاریخی و ملی شیر و خورشید از روی پرچم برداشته شد و واژه ی تازی الله روی آن نقش بست.